

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human Rights

حقوق بشر

ملالی موسی نظام
اول اکتوبر ۲۰۰۸

اخیرا وزارت عدلیه هالند مکتوبی برای جنایتکاران جنگی که اکثراً در عصر تنظیم های جهادی به کمک حکومت ربانی، با پاسپورتی به مملکت هالند پناهنده شده اند، فرستاده است که در اثر آن نه تنها از دادن پناهندگی به آنان خود داری نموده است، بلکه سوابق و وابستگی های آنان را هم مورد تحقیق و بررسی قانونی قرار داده است. لطفاً به مضمون ارزشمند محترم حمید انوری تحت عنوان «محاکمه جنایتکاران جنگی» در همین پورتال مراجعه نموده ممنون سازید.

نگاهی به راپور پرمحتوا و مستند

«پروژه عدالت افغانستان»

www.afghanistanjusticeproject.org

۲۰۰۱ - ۱۹۷۸

قابل قدر است که پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" با روش ملی و مردمی، حفظ موقف بیطرفی و در نظر داشت منافع علیای ملت رنجور و مظلوم افغان، اقدام به نشر و افشای حقایق غیر قابل انکار تاریخی و ملی سرزمین ما افغانستان نموده است.

این بار با نشر «پروژه عدالت افغانستان» مشیت تمام آنانی کاملاً باز میگردد که در سه دهه اخیر با حمل حلقه های غلامی روسیه و ایران و پاکستان و کتمان و پرده پوشی اعمال جنایتکاران و رهبران خیانتکار داخلی و عمال مزدور آنان، رو سیاه تاریخ ملت افغانستان بوده اند.

کمیته اروپایی بی طرف و ارزنده ای که این راپور عالی و افشاگرانه را تهیه نموده است، در سال ۲۰۰۱ میلادی به حیث یک ارگان مستقل تحقیقی برای تهیه اسناد و مدارک مستند از جنایات جنگی غیرقضایی احزاب مختلف افغانستان، به فعالیت آغاز نمود.

محققین این پروژه، در سرتاسر افغانستان با هزاران فامیل «در حدود ۶۰۰۰» و قربانیان جنایات جنگی به تماس گشته اند که راپورهای بدست آمده از نتیجه تحقیقات آنها از یکطرف کاملاً اصالت داشته و ثبت تاریخ میگردد و از جانب دیگر هدف این کمیته، تحت فشار قرار دادن حکومت افغانستان برای تعقیب و تحقیق جنایتکاران جنگی و سپردن آنان به محاکم داخلی و بین المللی میباشد.

این پروژه بی مانند، توسط گروپ مشترک محققین و حقوقدانان بین المللی و افغان که اکثراً داو طلبانه درین کار بزرگ سهم گرفته اند، بوجود آمده و تکمیل گردیده است. باید افزود که اکثریت گروپ افغان این پلان بزرگ و استثنائی، در جریان جنگ ها در افغانستان زندگی مینمودند و خود در زمره شواهد عینی شمرده میشوند.

درین راپور عالی و مستند که جنایات بشری و نقض و پامال سازی هزاران فقره از پرنسپ های حقوق بشر، علی الخصوص در مورد زنان و اطفال، افشا میگردد، حوادث و جریانات سال های ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۱ را به وضاحت تشریح مینماید، یعنی از آغاز کودتای منحوس ثور و عصر جنایتکاران خلقی و پرچی تا پایان عصر سیاه طالبان عصر حجر را در بر میگیرد.

با تکثیر و مطالعه هرچه بیشتر این راپور از طرف هم وطنان ما در سر تاسر گیتی، دیگر جای شك و شبهه ای در مورد حقایق میرهن و عربان آنچه بر ملت مظلوم و بی دفاع افغان واقع گردیده است، باقی نمی ماند. علم و آگاهی به تاریخ واقعی مملکت وجیهه و وظیفه هر افغان در سر تاسر دنیا میباشد.

البته با در نظر داشت اساسات دیموکراسی و آزادی های فکر و بیان، زمینه و راه انتقادات سالم، مستند و متکی بر دلایل و حوادث میرهن تاریخی نه تنها بر مواد این راپور و پروژه وابسته به حقوق بشر باز است، بلکه تمام ادعاهایی که بر اعمال و طرز کار احزاب و گروه های سیاسی و دولت مردان شناخته شده در عرصه این سه دهه پر آشوب و جنگ زده افغانستان، صورت میگیرد، با اتکا بر اصل بی طرفی و استناد منطقی، قابل بحث و مذاقه میباشد.

تاریخ واقعی مردم افغانستان درین سی سال اخیر، بر روی حوادث، جریانات و رویداد های تلخی استوار گردیده که هر صفحه آن با خون بیشتر از دو میلیون و پنجاه هزار شهید راه وطن رنگ میگیرد. بنا بر آن درک و شناسایی عمیق این حوادث و رویداد ها حق هر فردی از «فامیل» ملتی است که زیر نام پر افتخار «افغان» در داخل مملکت و یا در اقصی نقاط عالم پراکنده میباشد.

به هم وطنان ما معلوم است که اقلیت های معلوم الحالی در فعالیت ابدی برای کتمان حقایق تاریخی و غلط جلوه دادن جریانات واقعی وطن جنگ زده ویران ما میباشد. ده ها سایت کمپیوتری، جرائد و نشرات داخلی و بیرون مرزی، دستگاه های نشراتی تلوزیون و غیره که با وابستگی ها به همسایگان و یا احزاب و گروه های متعلقه داخلی به آنان، به منظور کسب مفاد و منافع شخصی، در فعالیت میباشد. این گروه ها همان طور که از جنایات بشری و نقض دائمی حقوق بشر به تاسی از روش رهبران پارلمانی و حکومتی خویش بحالت انکار و چشم پوشی قرار دارند، هیچگاه و هرگز نمونه ای از این حق تلفی ها و جنایات را در دستگاه های نشراتی خویش افشاء نمی نمایند، این گردن بستگان تاریخ ملت مظلوم افغان، حتی به عدالت خداوندی معتقد نبوده و بر آن وقعی نمیگزارند.

دوران جنایات وطن فروشانه خلق و پرچم که در پهلوی ویرانی شهرها، شهادت بیشتر از دو میلیون هموطن مظلوم و بی دفاع ما که در اثر آن ۱۷۰۰۰ قریه مادر وطن از نقشه جغرافیای افغانستان ناپدید گردیده و ساکنان مظلوم آنها از اطفال تا کهنسالان یا شهید گردیدند و یا به ممالک همسایه آواره و دربر شدند، هرگز فراموش جامعه بشری و تاریخ نمیگردد. اقدام برانزده حکومت ه لند در رد پناهگزینی این خائنین بالفطره و امکانات پیگیری و محاکمه آنان به حیث جنایتکاران جنگی، مرهم کوچکی خواهد بود که بر قلب داغدیدگان بینوای کشور ما گذاشته میشود.

جای بس دریغ و تاسف است که اشخاص معلوم الحالی مانند کبیر رنجبر در تلوزیون آقای خطاب جرأت مینماید که از خود و گروپ شناخته شده خود به حضور میلیون ها افغان بیننده و شاهدان عینی. بسر زنده، از آن عصر سیاه اشغال، از آن همه جنایات و خیانت های مشی از فرزندان ناخلف وطن پشتیبانی نموده و منجمله در باره یکی از سردمداران جنایات بشری، عضو KGB و آمر فعال دستگاه افغان کشان «خاد»، داکتر نجیب الله به نیکویی بیانیه بدهد!! این اشخاص چون از ضعف حکومت کابل و بد نصیبی ملت افغان، در دستگاه های دولتی، به شمول پارلمان، جا خوش کرده اند، کاملاً از بازخواست قانونی و عدالت الهی در قبال اعمال خود و خیانت های شان به وطن و هموطنان غافل میشوند.

بعد از شکست شرم آور اتحاد شوروی سابق و سقوط داکتر نجیب، متاسفانه با نفوذی که شوروی بر گروپ شورای نظر داشت، موجبات فرار و تهیه بی حساب پاسپورت های اعضای حزب دیموکراتیک خلق مخصوصاً به اروپا، توسط حکومت ربانی و مسعود فراهم گردید. بقیه، مخصوصاً اعضای پرچم در دستگاه های حکومتی با قدرتی که سابق داشتند ماندگار گردیدند «لطفاً به ویدیوی یو تیوب مسافرت مسعود به پاریس، سایت آزمون ملی مراجعه فرمائید، که در پان از مسعود سؤال میشود که علت نگهداری پرچمیان در دستگاه وی چه میباشد؟».

آیا هم وطنان ما در دستگاه های نشراتی چون جریده وابسته «امید» و «پیام مجاهد»، تلوزیون «خراسان» و «طلوع»، سایت هایی مانند «خاوران» و «سرنوشت» و امثالهم، هرگز چنین راپور هایی را دیده و یا شنیده اند؟ اصلاً آیا یکی از اینان گاهی نوشته اند که بین سال های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ جنایاتی که بر ملت و مملکت، علی الخصوص شهر چند هزار ساله، پایتخت زیبای افغانستان و مردم بیگناه آن وارد آمد، چگونه و چطور واقع گردید؟؟ شما صرف شنیده باشید که «گلبدین حکمتیار» کابل را راکت باران نمود، که البته نمود. آیا هرگز این دستگاه های

نشراتی گفته اند که «مسعود» هم چنان در مسابقه راکت اندازی بر اهالی بیگناه و بی پناه کابل گوی سبقت ربوده و این دو قهرمان جنگ و وحشت، مجموعاً «۵۰۰۰» راکت کشته و آتشین را بر ساکنان پایتخت ما «فیر» نمودند. مسعود بعد تر از ترس اتحاد حکمتیار و مزاری، در ماه فروری ۱۹۹۳، با انتقال اسلحهٔ ثقیله به سر کوه تلوزیون و بمبارد مان و راکت اندازی بر مناطق افشار، جمال مینه، کارته سه و سیلو فاجعه «قتل عام افشار» را که در عصر سیاه ریاست جمهوری طولانی همین برهان الدین ربانی، مرتکب گردید. در اثر «قتل عام افشار» عساکر مسعود خانه به خانه بر اهالی بیگناه افشار (۱) هجوم برده و زنان و دختران مظلوم آنها را مورد تجاوز و کشتار قرار دادند. این حادثهٔ الم بار که بر هموطنان شریف هزارهٔ ما واقع شد، ثبت تاریخ گردیده است. به همین گونه هزاران حادثهٔ جانخراشی که در سرزمین ما درین مدت سیاه و خونبار واقع گردیده است توسط این راپور مستند ارائه میگردد.

اگر این جریانات هرگز واقع نگردیده است، چرا این دستگاہهای نشراتی وابسته، با متانت و با دلائل مبرهن و منطقی تاریخی و ارائهٔ اسناد معتبر آنرا رد نمی نمایند.... و اگر واقع گردیده است، چرا به حیث «وقایع تاریخی ملت افغان» سطری از آنرا به نشر نمی سپارند؟؟

در مورد راپور پروژه «عدالت افغانستان» باید گفت که افتخار ترجمهٔ این راپور ارزشمند، همچنان به دانشمند خبرهٔ افغان «داکتر سید عبدالله کاظم» محقق و نویسندهٔ ملی گرا میرسد که ترجمهٔ قست اول این راپور توسط ایشان در سال های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۶، تحت عنوان «جنايات ديروز، داد خواهی امروز» که مربوط کار همین کمیته میباشد، بنام «پروژه داد خواهی افغانستان» در کلیفورنیا به نشر رسیده است. مطالعهٔ این اثر ارزشمند همچنان به هموطنان ما توصیه میگردد.

افغانستان با عضویت در مؤسسهٔ ملل متحد و قبول اعلامیهٔ حقوق بشر، از دههٔ چهل میلادی مکلفیت مراعات اساسات و مقررہ های این مؤسسات بین المللی را دارد، بنا بران سر باز زدن از تعقیب ناقضان حقوق بشر و اتهاماتی که گروهی ازین جنایتکاران منجمله ربانی به کمسیون مستقل حقوق بشر وارد مینماید، قابل پذیرش و دوام نمیباشد. آنانی که با مقررہ های عفو و بخشش مجرمین جنگی دل خوش مینمایند، راهی بیراهه ای هستند که خود بوجود آورده اند.

باید ایمان به خداوند و بیگناهی ملت مظلوم افغان بیاوریم که با «عفو مجرمین جنگی» و تشکیل جبههٔ نا متجانس غیر ملی «شتر، گاو، پلنگ»، دار و دستهٔ ربانی مکار، مسعودیان «ازهر قماش، اکثرأ بی کفایت و کم سویه»، دوستم، وطن فروشان بی حیای خلق و پرچم، که همه و همه عملاً با کشتار ملت و ویرانی مملکت بر ضد همدیگر، سهیم بوده و شناخته شدهٔ تاریخ میباشند، روز داد خواهی و عدالت برای افغانستان به نحوی در داخل و یا خارج مملکت آغاز میگردد. آنانی که از بازخواست قاتلان ملت و بربادی مملکت در انکار هستند، از عدالت خداوندی و آه بیگناهان مظلوم هم چنان غافل میباشند.

درین زمینه دوران تاریک و زن ستیز طالبان عصر حجر و اشغال مملکت را توسط گروههای آدمکشان و تروریزم جهانی نباید از یاد برد که با مظالمی که این بی خردان به اطاعت و پشتیبانی از پاکستان خائن و شست و شوی مغزی جوانان نادان و آوارگان جنگ ها، بر ملت مظلوم ما وارد نمودند، هم صفحات سیاهی را درین راپور احتوا مینماید.

این راپور ارزنده و مستند که در کمال بیطرفی با حضور شاهدان عینی تهیه گردیده است، صفحات واقعی و مستند و تاریک تاریخ افغانستان جنگ زده ویران است، بنابراین چاپ و انتشار آن بر همه فرض و ضروری میباشد. لطفاً قسمتی از مقدمهٔ این راپور ارزشمند را درذیل مطالعه فرمایید :

پروژه عدالت افغانستان

تیرگیهای سرنوشت ساز

جنايات جنگی و جنايات بشری از سال ۱۹۷۸ الی ۲۰۰۱

تجزیه و تحلیل و ارائه مدارك از نمونه های بزرگ سوء استفاده در جنگهای افغانستان

پروژه عدالت افغانستان در اواخر سال ۲۰۰۱ تاسیس شد و به حیث يك ارگان مستقل تحقیقی و حمایتگر که هدفش تهیهٔ اسناد و مدارك از جنايات جنگی و جنايات ضد بشری که توسط تمام احزاب دخیل در جنگ در جریان جنگهای داخلی افغانستان از سال ۱۹۷۸ الی ۲۰۰۱ انجام داده اند، میباشد.

کار ما تحقیق و تمرکز روی بعضی وقایع مهم و بازرسی در قسمت قتل های عام غیر قضائی، شکنجه های متداوم، تجاوزات دسته جمعی جنسی و هدف گیری مردم غیر نظامی بطور عمدی در جریان جنگها میباشد. محققین ما با منابع متعددی صحبت نموده اند و هدف آن فراهم آوری حقایق مشخص جهت ثبت در تاریخ و نیز برای تحت فشار قرار دادن دولت افغانستان و تمویل کنندگان بین المللی و سیاست گزاران میباشد تا درین راستا، احساس مسؤولیت نموده جنایات جنگی گذشته را تحت تعقیب و تحقیق قرار دهند.

پروژه عدالت افغانستان شامل کارمندان افغان و غیر افغان و اشخاص حقوق دان هست و اکثر کار ها بشکل داوطلبانه صورت گرفته است. تقریباً تمام کارهای ساحوی در داخل افغانستان، در جریان سه سال انجام شده است و هم چنان ما با بعضی افغان هایی که خارج از افغانستان هستند، نیز مصاحبه هایی را انجام داده ایم. اکثر کارمندان این پروژه، در جریان جنگ های افغانستان زندگی مینمودند.

پروژه عدالت افغانستان يك ارگان مستقل و غیر وابسته به گروهی است و هیچ روابط رسمی به دولت و یا افراد دولتی و یا سازمان های بین المللی ندارد. این پروژه يك سازمان غیر انتفاعی است که پروسه ثبت و اكمال را در بلژيك طی می نماید. برای معلومات بیشتر در رابطه با پروژه « **عدالت افغانستان** » به آدرس الکترونیکی ما مراجعه فرمائید :

www.afghanistanjusticeproject.org

نوت: برای مطالعه و چاپ مضمون پروژه عدالت افغانستان که به اتمام رسیده است، به زبان های دری و پشتو، لطفاً به وبسایت ذیل کلیک نمایید :

www.afghanistanjusticeproject.org

۱- قتل عام افشار، صفحه ۴۱۳ "زنان افغان زیر فشار عنعنه و تجدد"، اثر داکتر سید عبدالله کاظم.